



ربا و بهره بانکی از دیدگاه اسلام

پدیدآورنده (ها): محمودی، سید علی

علوم سیاسی :: نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی :: فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰ - شماره ۱۶۳ و ۱۶۴

صفحات: از ۲۷۶ تا ۲۸۷

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94602>

تاریخ داندلود: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- انواع بانکهای بدون ربا
- نظریه های ربا و بهره
- اندیشه: الگوی جدید بانکداری بدون ربا
- نظریه های بهره و ربا
- تبیین فقهی بانکداری بدون ربا (مدل ایران و اردن)
- بانکداری بدون ربا و تشبیت اقتصادی
- بررسی مقایسه ای بانکداری ربوی و بدون ربا
- نقد و بررسی قانون بانکداری بدون ربا
- مبنای فقهی قانون عملیات بانکی بدون ربا
- بررسی رابطه تقوی و هدایت و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی از منظر قرآن
- نقد و بررسی آزادی اقتصادی در نظام سرمایه داری
- بررسی کارمزد تسهیلات مالی با عقود اسلامی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی)

عناوین مشابه

- بهره گیری از مفاهیم آموزش از دیدگاه اسلام، در طراحی و مکان یابی اجزای عملکردی دانشگاه ها
- بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا از دیدگاه تحلیل ساختار و نقد حقوقی
- بررسی ربا از دیدگاه اسلام و تاثیر آن در اقتصاد جوامع
- بهره گیری از تامین اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار در دیدگاه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل و اسلام
- جایگاه فقهی ربا و سود بانکی از نگاه متفکران جهان اسلام
- بررسی بهره و ربا از دیدگاه مدیریت مالی
- نقد و بررسی دیدگاه های جدید پیرامون ربا و بهره بانکی
- پیامبر، نه شاعر (پیامبر اسلام و نسبت شاعری به او از دیدگاه قرآن و تاریخ)
- تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی
- «احکام فقهی ربا و بهره بانکی» «میان مسلمان و کافر»

ربا از نظر قرآن و حدیث

آنچه مسلم است ربا در شریعت اسلام از محرمات بزرگ و گناهان کبیره به حساب آمده و خداوند مسلمانان را از آن بر حذر داشته و به ارتکاب کننده آن وعده عذاب داده است.

در آیه ۲۷۸ سوره بقره، خداوند ضمن هشدار و تحذیر مسلمانان نسبت به ربا، ارتکاب این عمل را در حکم جنگ با خدا و پیامبر دانسته است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...»

«ای گروه مؤمنان! خدا را پروا دارید و آنچه را از مطالبات ربا باقی مانده را بسازید اگر ایمان دارید، و اگر فرمان خدا را اطاعت نکنید پس با خدا و پیامبرش اعلان جنگ داده اید.

ولی در صورتی که از ربا توبه کنند اصل سرمایه‌ها را مورد تأیید قرار داده و فرموده است: «وَأَن تُبْتَغُوا فَلَئِمَّا رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۱.

«و اگر توبه کردید و باز گشتید سرمایه‌هایتان متعلق به شماست، نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم واقع خواهید شد».

در قرآن کریم دستکم هفت آیه در مورد حرمت ربا دلالت قطعی و روشن دارد. در اخبار و احادیث وارد شده از پیامبر و ائمه معصومین، حکم حرمت ربا و زیانهای ناشی از آن به صراحت بیان گردیده است تا جایی که به گفته مرحوم علامه مجلسی «می‌توان ان یقال بتواترها»^۲ یعنی کثرت این روایات به حدی است که می‌توان گفت در حد تواتر است. در اینجا به عنوان نمونه به ذکر یک حدیث اکتفا می‌کنیم:

قال رسول الله (ص): «يا علي درهم ربا أعظم عند الله من سبعين زنيه كلها بذاتٍ مُحَرَّمٍ في بيت الله الحرام»^۳

«ای علی یک درهم ربا از نظر گناه و بزرگی معصیت نزد خداوند بزرگتر از هفتاد بار زنا با محرم در خانه خداست.»

علما و فقهای مذهب از صدر اسلام تاکنون به حرمت ربا و ممنوعیت آن اجماع و اتفاق نظر دارند و از آنجا که به نظر فقهاء شیعه احکام تابع مصالح و

مفسد است، در فلسفه و حکمت حرمت ربا مسائلی مانند: ۱- اکل مال به باطل ۲- ظلم به مردم ۳- جلوگیری از فعالیتهای مفید اقتصادی ۴- جلوگیری از کارهای خیر انسانی ۵- دنیابریستی و دوری از خدا و معنویت مطرح است که به دلیل همانها، ربا در شریعت اسلام به شدت تحریم شده است.

ربا از نظر فقهی بر دو قسم است: ۱- ربای معاملی که عبارت از خرید و فروش دو کالا از یک جنس وزن کردنی به بیشتر است. ۲- ربای قرضی و آن عبارت از پرداخت وام به شخصی در مدت معین با شرط سود در هنگام بازپرداخت آن. ربای معاملی در زمانهای گذشته که داد و ستد کالاها به شکل پایاپای بوده بیشتر رایج بوده است و امروزه کمتر پیش می‌آید. ولی ربای قرضی در اعصار گذشته و زمان حاضر پیوسته رواج داشته و در جوامع مختلف مورد ابتلا بوده است.

تاریخچه بانک و اعمال بانکی

چنان که در تاریخ آمده است از دیر زمان در هر جامعه دادوستد و امور مربوط به پول را صرافها بر عهده داشته‌اند و در ایران نیز در زمان ساسانیان (پیش از ظهور اسلام) نقل و انتقال پول از نقطه‌ای به نقطه دیگر توسط «برات» متداول بوده است. واژه «چک» که امروزه متداول است از زبان پهلوی گرفته شده و در عصر ساسانیان هم معمول بوده است. کلمات «صک» و «سفنج» در پاره‌ای از استعمالات و روایات اسلامی به کار رفته که حکایت از انجام اینگونه عملیات بانکی در صدر اسلام می‌کند.^۴ در زمان خلافت اسلامی همچنان امور مربوط به پول و ضرب و توزیع آن به عهده دولت و صرافان بوده و تا دوران اخیر و پیدایش بانک به شکل امروزی، این روش ادامه داشته است.

«تاریخ جدید پول بانکی از قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی آغاز می‌گردد. در این زمان پاره‌ای از خانواده‌ها در ونیز، فلورانس و سایر شهرهای ایتالیا بانکداری را با قبول پس انداز و تمهید بازپرداخت، حرفه خود قرار دادند. در سال ۱۵۸۷

ربا و بهره
بانکی از
دیدگاه اسلام

نوشته سیدعلی محمودی

انتقال پول در داخل، معاملات ارزی، معامله روی فلزهای گران بها، واگذاری صندوق امانات، تضمین و صدور ضمانت نامه و کمک به سایر مؤسسات بازرگانی».^۸

در تحلیل این عملیات می توان گفت به طور کلی اعمال بانک مشتمل بر ۴ نوع فعالیت است:

۱- عملیات کوتاه مدت که عبارت است از: الف) سپرده و حساب جاری، ب) تنزیل بستانکاری مدت دار، ج) اعطای اعتبار در حسابهای جاری، د) تضمین.

۲- عملیات بلندمدت که مشتمل است بر الف) اعطای وام: ب) اعتبارهای بلندمدت: ج) سرمایه گذاری در امور اعتباری و مؤسسات انتفاعی و کارهای تولیدی.

۳- انتشار اوراق بهادار مانند سهام شرکتها و اوراق قرضه دولتی یا بخش خصوصی.

۴- نقل و انتقال پول و معاملات ارزی و فلزات گران بها.

با بررسی این عملیات روشن می شود که برخی از اعمال بانک به عنوان خدمات بانکی، مانند نقل و انتقال پول، داد و ستد با مشتریان در حسابهای جاری، معاملات ارزی و مانند آن بهره ارتباطی ندارد.

ولی در برخی دیگر از این اعمال مانند سپرده ها، تنزیل چکها و سفته ها، اعطای وام به مشتریان و سرمایه گذاری در امور تجاری و اقتصادی، بهره به اشکال مختلف مطرح می شود.

از دیدگاه اقتصاد اسلامی بین بهره و سود حاصل از قراردادهای اقتصادی، فرق اساسی وجود دارد؛ زیرا سود، محصول کارایی سرمایه در جریان تولید یا فعالیت تجاری است که پس از تحصیل آن محاسبه می شود ولی بهره، بازدهی پول به حسب زمان است که در فرایندهای مختلف اقتصادی در بانک جابه جایی می شود. بنابراین با توجه به اینکه در عملیات بانکی بین سود حاصل از قراردادهای بهره پول عملاً تمایزی وجود ندارد، باید گفت آنچه از این عملیات سود آور، زیر عنوان قراردادهای شرعی انجام می شود با رعایت قوانین مربوطه مشروع است و سود حاصل از آن شرعی تلقی می شود ولی آنچه به عنوان بهره پول محاسبه

بانکو دی ریالتو که بعدها بانک و نیز خوانده شد برای انجام خدمات بانکی در این شهر آغاز به کار کرد و سایر مراکز تجاری از نیز تقلید نمودند.

در ۱۶۰۹ بانک آمستردام تأسیس گردید. ده سال بعد در ۱۶۱۹ بانک هامبورگ، در ۱۶۸۸ بانک استکهلم، در ۱۶۹۴ بانک انگلستان و در ۱۷۰۳ بانک وین تأسیس شد. از اواسط قرن ۱۷ در انگلستان، زرگرها انجام خدمات بانکی را به عهده گرفتند و هم اینان خلق کنندگان پول بانکی به معنای جدید بودند.^۹

«بانک مرکزی انگلیس که پدر بانکهای امروزی است در سال ۱۶۹۴ میلادی تأسیس و به صورت یک بانک معمولی شروع به کار کرد و فعالیت آن چنان بود که تا سال ۱۷۳۰ تقریباً تنها بانک ناشر اسکناس در انگلیس شد.»^{۱۰} به تدریج پدیده بانک در سایر کشورها رایج گردید و بانکها امور نشر اسکناس و کنترل پول و نقل و انتقال آن را به عهده گرفتند.

در ایران در سال ۱۲۶۷ در زمان ناصرالدین شاه قاجار امتیازی از طرف دولت ایران به بارون جولوس رویتر داده شد که به موجب آن بانک شاهنشاهی ایران تشکیل گردید و حق انحصاری انتشار اسکناس به آن واگذار شد. در سال ۱۳۰۹ امتیاز انحصاری نشر اسکناس به مبلغ ۲۰۰ هزار لیره از بانک شاهنشاهی ایران باز خرید و به بانک ملی ایران واگذار گردید. تأسیس بانک ملی ایران در سال ۱۲۸۵ اعلام شده و پس از تصویب مجلس و دولت در ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ رسماً افتتاح گردیده بود.^{۱۱}

فهرست اعمال بانکی

بنا به ماده ۷ قانون پول و بانک ایران که در ۷ خرداد ۱۳۳۹ به تصویب رسیده است، بانک مؤسسه ای است که به صورت شرکت سهامی به انجام عملیات بانکی اشتغال دارد. در این قانون عملیات بانکی زیر تعریف شده است:

«پذیرش سپرده، افتتاح حساب جاری، اعطای اعتبار، انجام معامله روی برات و سفته، عملیات مربوط به سهام و اسناد و برگهای بهادار دیگر، نقل و

○ در فلسفه حرمت ربا مسائلی مانند اکل مال به باطل، ظلم به مردم، جلوگیری از فعالیتهای مفید اقتصادی و کارهای خیر انسانی، و دنیاپرستی و دوری از خدا و معنویت مطرح است.

می‌شود، تحت عنوان ربای قرضی قرار می‌گیرد و از نظر اقتصاد اسلامی توجیه صحیحی ندارد.

بررسی بهره از نظر حقوقی

از آنجا که بانک در آغاز، پدیده‌ای غربی بوده و سپس در کشورهای اسلامی متداول شده مبانی و اصول آن نیز از حقوق غربی نشأت گرفته است. بهره بانکی در غرب نخست به عنوان یک حق پذیرفته شده سپس برای توجیه علمی و عقلی آن راههای مختلفی ارائه شده است.

می‌توان گفت که اساس و مبنای حق در فرهنگ لیبرالیسم اراده انسانهاست و بر همین اساس قراردادها و حقوق اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد. این مطلب در خلال نوشته‌های کانت، جان استوارت میل، ژان ژاک روسو و دیگر محققان اروپایی به چشم می‌خورد.

این طرز تفکر با اعتقاد به اینکه منشأ حق، اراده الهی است و حق و قانون تنها به او اختصاص دارد و بیان حقوق و احکام را خداوند به وسیله پیامبری که امین و وحی اوست به انسانها ابلاغ نموده است فرق اساسی دارد. بنابراین حق و قانون در هر مکتب، برخاسته از جهان بینی و اعتقادات و برداشت خاص آن مکتب از فلسفه هستی و جهان انسان است و به همین دلیل است که قانون، حق و حتی حقوق بشر در هر مکتب معانی و تفاسیر مختلف پیدا می‌کند. در مورد بهره نیز به اعتقاد اروپاییان، بهره حقی است که به موجب اراده انسان که بنا گذاشته است پول خود را در اختیار بانک قرار دهد به صاحب سرمایه تعلق می‌گیرد. ولی از دیدگاه اقتصاد اسلامی، حق و قانون بر اساس جهان بینی اسلامی، در چارچوب اراده الهی و بر مبنای احکام لو که از کتاب و سنت استخراج شده است معنی پیدا می‌کند. بنابراین آنچه با این معیارها مطابقت داشته باشد حق، و در غیر این صورت حق محسوب نمی‌شود و مشروعیت ندارد. بر همین اساس ربا یکی از معرّمات شرعی است و هر گونه عملی که به وجهی ربا محسوب شود مشمول حکم حرمت و ممنوعیت قرار دارد. حتی به نظر برخی از فقها

چاره جویی و صحنه سازی و هر گونه ترفند برای فرار از ربا در صورتی که مقصود اصلی بهره گیری از پول باشد به هیچ وجه جایز نیست^۱ و حقیقت قرار داد را عوض نمی‌کند مگر اینکه قرار داد واقعاً شکل صحیح و شرعی داشته باشد و طرفین نسبت به اجرای چنین قراردادی قصد جدی داشته باشند که در این صورت از نظر اسلام صحیح است و مصداق ربا محسوب نمی‌شود.

راه حل مشکل بهره بانکی

دارایی بانک معمولاً از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول، سرمایه اصلی بانک که همواره آن را در اختیار دارد؛ بخش دوم، سرمایه‌های مختلف مردم که این بخش قسمت عمده موجودی بانک را تشکیل می‌دهد. بانک غیر اسلامی علاوه بر دریافت کارمزد برای ارائه خدمات بانکی و نقل و انتقال پول، بیشتر در آمد خود را از محل بهره تأمین می‌کند زیرا بانک از یک سو سپرده‌های اشخاص را با نرخ بهره پایین در اختیار می‌گیرد و از سوی دیگر همین سپرده‌ها را به عنوان وام در اختیار متقاضیان و سرمایه گذاران قرار می‌دهد و از آنها نرخ بالاتری دریافت می‌کند. برای نمونه، به سپرده گذار ۸ درصد سود می‌دهد و از وام گیرنده ۱۶ درصد سود می‌گیرد و مابه‌التفاوت آن که ۸ درصد است سود متعلق به بانک است که عمده تأمینیه‌ها و مخارج خود را از همین محل تأمین می‌کند.

بانک غیر اسلامی در این فرایند بطور مستقل بین سپرده گذار و سرمایه گذار عمل می‌کند. دو طرف (سپرده گذار و سرمایه گذار) هیچگونه ارتباطی با یکدیگر ندارند و بانک به عنوان بدهکار سپرده گذار و بستانکار سرمایه گذار مستقلاً عمل می‌کند و آنچه به واسطه مداخله بانک حاصل می‌شود بهره است. بهره بر حسب زمان بر مبنای نرخ رایج محاسبه می‌شود و چنان که قبلاً ذکر شد مصداق بارز ریاست که در شرع اسلام به شدت تحریم شده است. برای نجات از این مشکل و خلاصی از گرفتارهای ناشی از ربا و بهره، راه حل اساسی این است که در ساختار اقتصاد بازار و بانک

○ سود، محصول کارایی سرمایه در جریان تولید یا فعالیت تجاری است که پس از تحصیل آن محاسبه می‌شود ولی بهره، بازدهی پولی به حسب زمان است که در فرایندهای مختلف اقتصادی در بانک جابجا می‌شود.

۳- باید زمینه فعالیت محدود و برای بانک روشن باشد به نحوی که بانک بتواند نتایج آن را تعیین کند و احتمالات پیشامدها را بررسی نماید.

۴- کسی که دارای پیشینه معامله با بانک و حسن سابقه است بر دیگران ترجیح داده می شود.

۵- تمام شرایطی را که بانک به او پیشنهاد می کند بپذیرد. این شروط به قرار زیر است:

الف) شرایط مربوط به تقسیم سود حاصله.

ب) تمام فعالیت های مالی سرمایه گذار در زمینه فعالیت مربوط به مضارب به بانک مورد نظر باشد. حساب جاری برای مضارب در آن بانک باز کند و سیرده های جاری را در آن بانک سپارد.

ج) دفاتر دقیق و مرتب در مورد سرمایه گذاری و فعالیت های خود داشته باشد (امکان دارد بانک او را ملزم به داشتن دفاتر قانونی که زیر نظر حسابدار رسمی تنظیم شده باشد کند).

د) بانک برای هر عمل مضارب به پرونده ای بگشاید که تمام فعالیت های مربوط به آن عمل در آن ضبط شود. کسی که با سرمایه کار می کند باید تمام اطلاعات مربوط به فعالیت خود را از همان ابتدای عقد قرارداد مضارب به تایید مدت قرارداد به تدریج به بانک بدهد.^{۱۱}

به موجب شرایطی که ذکر شده قرارداد مضارب به، بین بانک و سرمایه گذار منعقد می شود و به منظور اجرای دقیق این احکام و نظارت کامل بانک بر کار، عامل مضارب به لازم است. در هر بانک باید بخشی به نام نظارت بر بازار وجود داشته باشد تا بر کارهای تاجر نظارت کند و بر قراردادهای دیگر مانند شرکت و غیره دخالت و نظارت داشته باشد.

از آنجا که در قرارداد شرکت و مضارب به سود کار پس از به دست آمدن، محاسبه می شود^{۱۲} تنها ضابطه تقسیم سود بین طرفین به صورت در صد باید در قرارداد معلوم باشد.^{۱۳} هنگام تحویل پول به سرمایه گذار نمی توان سودی را برای قرارداد معین کرد، هر چند اگر به صورت علی الحساب سودی برای او منظور شود، بلامانع است. ولی سرانجام باید در موقع حسابرسی سود واقعی یا میانگین سود حاصل از مجموع سرمایه ها محاسبه و به سپرده گذار تسلیم گردد.

به جای بهره، سود جایگزین شود و به جای بازده پول، سود سرمایه و کار در چارچوب عقود شرعی رایج گردد و به جای بانک ربوی، بانک اسلامی با ضوابط شرعی معمول شود. طرح ایجاد بانک اسلامی را به طور جامع شهید بزرگوار آیت الله سید محمد باقر صدر در کتاب *البنك الربوي في الاسلام* مطرح کرد و راه حل های کاربردی ایجاد يك بانک اسلامی را نیز در این کتاب ترسیم نموده است. دیگر فقها و محققان نیز حل مشکل بهره از راه ایجاد بانک و قراردادهای شرعی مانند مضارب به، شرکت، جعاله و... را تأیید کرده اند.

در نظام بانکداری اسلامی، بانک بین سپرده گذار و سرمایه گذار به عنوان رابط عمل می کند و برخلاف بانک ربوی بانک در این میانه نقش مستقلی ندارد؛ به این معنی که بانک وکیل سپرده گذار است و به موجب وکالت با سرمایه گذار قرارداد مضارب به و غیره منعقد می کند.

در طرح شهید صدر سپرده گذار و سرمایه گذار هر يك باید دارای شرایطی باشند که شرح هر يك از این قرار است:

شرایط صاحب سپرده:

۱- صاحب سپرده باید بطور قانونی تعهد کند که سپرده خود را دستکم برای مدت شش ماه تحت تصرف بانک گذارد، اگر صاحب سپرده چنین شرطی را نپذیرد به او اجازه داده نمی شود که در قرارداد مضارب به شرکت کند و بانک نیز نمایندگی او را در این زمینه نخواهد پذیرفت.

۲- صاحب سپرده با شرایط پیشنهادی بانک برای مضارب به مورد نظر موافقت داشته باشد.

۳- صاحب سپرده ثابت در بانک حساب جاری افتتاح کند...^{۱۴}

شرایط سرمایه گذار (کسی که سپرده ها را به کار می اندازد) و مضارب (یعنی کسی که با سپرده ها کار می کند) از این قرار است:

۱- باید امین باشد و دو نفر بر امانت دار و مورد اطمینان بودن او نزد بانک شهادت دهند.

۲- برای بانک، امارات و شواهد کافی وجود داشته باشد که نشان دهد شخص مذکور دارای کفایت و شایستگی لازم برای سرمایه گذاری مبالغی که از بانک می گیرد در زمینه های کم خطر

○ برای خلاصی از

گرفتاریهای ناشی از ربا و بهره، راه حل اساسی این است که در ساختار اقتصاد بازار و بانک به جای بهره، سود جایگزین شود و به جای بازده پول، سود سرمایه و کار در چارچوب عقود شرعی رایج گردد.

احکام شرکت و مضاربۀ منطبق نمی باشد.
 ۵. پول در بانکها با سازوکارهای سپرده گذاری برای بهره به جریان می افتد و عقود اسلامی تنها به شکل اسمی بدون رعایت ضوابط و مقررات آن در بسیاری از موارد مطرح است. در این صورت مشکل هنوز برآستی بر طرف نشده است.

۶. از آنجا که در قرارداد های شرکت و مضاربۀ اگر خسارتی در تجارت پدید آید به عهده صاحب سرمایه است^{۱۴} و سپرده گذاران در بانک نمی توانند خسارات را بپذیرند و اگر به این حکم عمل شود ممکن است از سپرده گذاری خودداری نمایند، لذا بانک به صورت شرط اخلاقی، سپرده ها را تضمین می کند و متعهد می شود که در صورت پدید آمدن خسارت، خود آن را جبران کند. البته بانک فعلاً با شرط اخلاقی مشکل خسارت را بدین گونه حل کرده است ولی مسئله از نظر حقوقی حل نشده است. به این معنی که در صورت وقوع خسارت و ناتوانی بانک از پرداخت آن سپرده گذاران نمی توانند بانک را قانوناً تعقیب کنند زیرا شرط اخلاقی قابل پیگرد قانونی نیست.

آری در صورتی که بانک شرط اداء خسارت را بصورت شرط ضمن عقد لازم بپذیرد در این صورت شرط لازم الوفاء و از نظر حقوقی و شرعی نیز قابل پیگرد است ولی چنین شرط قانونی بین بانک و سپرده گذاران مقرر نمی باشد.

در پایان این بخش قابل ذکر است که به اعتقاد ما با مقداری تفسیر در راهکارها و الزام پیشتر به رعایت قوانین اقتصاد اسلامی، می توان شرایطی ایجاد کرد تا بانک بتواند به جای بهره، سود را اصل قرار دهد و در چارچوب ضوابط شرعی، هم خدمات وسیع بانکی ارائه دهد و هم درآمد کافی برای اداره خود و تأمین هزینه های جاری خویش داشته باشد و در عین حال از ابتلا به با و بهره در امان بماند.

توجیه بهره بانکی و نارساییهای آن

بعضی از فضلاء معاصر برای تصحیح اعمال بانکی و توجیه بهره بانکی و حل مسئله را چنین گفته اند:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون بانکداری اسلامی علی رغم دقت نظر و جامعیت قانون یادشده و راهکارهای سازنده ای که در آن در نظر گرفته شده بود، متأسفانه بانکها در عمل از عهده اجرای این مقررات بطور کامل بر نیامدند و هنوز برخی از مسائل حل نشده فراروی جامعه و بانکداری اسلامی قرار دارد که به ذکر نمونه هایی از آنها می پردازیم.

مشکلات حل نشده بانکها

۱. در بانکهای امروزی کشور نرخ سود پول سرمایه گذار قبل از تحصیل سود واقعی مشخص می شود و اگر هم به نام علی الحساب سودی مشخص و پرداخت شود هنگام حسابرسی یا در رأس سال، محاسبه ای در مورد سود به عمل نمی آید و به همان نرخ اولی مسئله ختم می شود و این کار با قوانین شرعی شرکت و مضاربۀ اطلاق ندارد.

۲. هنگام تحویل پول به سرمایه گذار (عامل مضاربۀ یا تاجر یا نماینده شرکت) نرخ سود محاسبه می شود در حالی که هنوز سرمایه در آغاز راه است و سودی تحصیل نشده است و اگر گفته شود که این سود نیز علی الحساب است در پاسخ باید گفت این محاسبه معمولاً تا آخر تغییر پیدا نمی کند. بنابراین با ضوابط شرکت و مضاربۀ منطبق نیست.

۳. بانک در این قراردادها به عنوان وکیل سپرده گذاران عمل می کند. در این صورت مستقلاً طرف قرارداد نیست، در سود حقی ندارد و تنها می تواند کار مزد خدمات بانکی را دریافت کند مشروط بر آنکه با توافق طرفین قرارداد و توافق آنها باشد. این در حالی است که این موارد بطور دقیق و شفاف رعایت نمی شود.

۴. بانک با بازار رابطه مستقیم ندارد و بر کار سرمایه گذار (تاجر و عامل مضاربۀ یا شرکت) نظارت نمی کند و به همین جهت در محاسبات نهایی سود واقعی سپرده ها حسابرسی نمی شود و حساب با همان نرخ مطرح شده در ابتدای قرارداد یا به صورت علی الحساب بسته می شود و این روش با

○ در نظام بانکداری

اسلامی، بانک بین سپرده گذار و سرمایه گذار نقش مستقلى ندارد بلکه به عنوان وکیل سپرده گذار و به موجب وکالت، با سرمایه گذار قرارداد مضاربۀ و غیره منعقد می کند.

«از آنجا که بانک را ما به وجود نیاورده‌ایم نمی‌توانیم شرایطش را تغییر بدهیم. پس خودمان را هم نباید گول بزنیم که اسمش مضاربه است و فلان یا امثال آن، زیرا بانکی محور است که اروپاییها برای ما آورده‌اند. شرایطی را باید ملتزم بشویم که آنها گفتند و الا ما از دنیا حذف می‌شویم... پس باید بانک با تمام سیستم آن را بپذیریم... سپس دنبال چاره باشیم که ربا را در بانک چگونه علاج کنیم، اگر مثل بعضیها بگوییم مصلحت جامعه اقتضا دارد که در بانکها ربا باشد این مصلحت اندیشی چون در تقابل با احکام شرعی است قابل قبول نیست. با این حال راه بسته نیست و ما روی کشف ملاک، راه دیگری را پیش می‌گیریم».^{۱۵}

سپس در بیان راه حل مسئله ربا و کشف ملاک می‌گویند:

«ربایی را که شارع حرام کرده همان ربایی بوده که بین اشخاص حقیقی رواج داشته و [در آن] مسئله استثمار مطرح بوده است. با ملاک قرار دادن عناوین باید دید که ربای متداول، امروزه در بانک مشمول عنوان استثمار است یا نه؟ آیا استثماری در کار هست؟ به عبارت دیگر، اصلاً عملیات بانکی برای این است که پولهای سرگردان را به کار بیندازد و به واسطه آن افراد به کار بیفتند و چرخ اقتصادی جهان بچرخد و از سوی دیگر، شخص هم در کار نیست. در واقع کار بانک امروزه «مناو الینا» است یعنی هیچ یک از ملاکات ربا که شارع در صدر اول حرام کرده در این معاملات ربوی بانکی وجود ندارد. پس وجهی برای حرمت آن نیست لذا از این راه، تحلیل و تجویز می‌کنیم که بهره بانکی اشکال ندارد».^{۱۶}

در نقد اظهارات ایشان به ترتیب، توجه به نکات زیر لازم به نظر می‌رسد:

۱- درست است که بانک را ما به وجود نیاورده‌ایم ولی این مطلب که نمی‌توانیم شرایطش را تغییر بدهیم قابل قبول نیست. زیرا وجود بانک یک طلسم نیست که قابل تغییر نباشد. بلکه می‌توان بانک را با معیارهای اسلامی به گونه‌ای تغییر داد که کارهای آن بر اساس موازین شرعی انجام شود و در عین حال کارگشای مشکلات مردم در امور اقتصادی باشد. چنان که شهید صدر در کتاب البنك الربوی

فی الاسلام خطوط اصلی و نقشه کلی آن را ترسیم نموده است.

۲- استفاده از عناوین و عقود شرعی مانند مضاربه، شرکت، جعالة و غیره خود گول زدن نیست بلکه اجرای عقود شرعی و عقلایی است که اگر به درستی عمل شود بانک به معنی واقعی اسلامی خواهد شد و چرخ اقتصاد جامعه نیز به بهترین وجه حرکت خواهد کرد. جای شگفتی است که این دانشمند محترم در مورد قراردادهایی مانند مضاربه تعبیر خود گول زدن را به کار می‌برد در حالی که این عقود شرعی پیوسته راههای قانونی برای فعالیتهای اقتصادی شمرده می‌شوند و قرارداد تابع قصد طرفین است (العقود تابعة للقصد) و با رعایت ضوابط هر عقد، این کار هم مشروع است هم کارگشا.

۳- ایشان گفته‌اند «شرایطی را باید ملتزم بشویم که آنها گفته‌اند و الا ما از دنیا حذف می‌شویم... پس باید بانک را با تمام سیستم آن بپذیریم سپس دنبال چاره باشیم»، نویسنده در اینجا در آغاز خود را مقهور بانک و قوانین مربوط به آن می‌داند سپس می‌گوید باید برای آن راه حل فقهی پیدا کنیم. در حالی که چنان که گفته شد به هیچ وجه ما نباید خود را در برابر قوانین و پدیده‌های تحمیل شده از قبل مقهور بدانیم بلکه راه‌حلهای بسیاری فراروی ما وجود دارد. وانگهی آیا رسالت یک دانشمند و فقیه و کارشناس مسائل اسلامی این است که ملاکات و معیارهای فقهی را شناسایی و قوانین و اعمال انسانی را با آن منطبق نماید یا به عکس، قوانین و اعمال بشری را بشناسد و فقه را با آن تطبیق دهد. پر واضح است که از نظر اهل تحقیق تنها صورت اول صحیح و قابل قبول است.

۴- فاضل مذکور تصحیح ربای بانکی را از راه مصلحت اندیشی معارض با احکام شرعی دانسته و در راه حلی که ارائه داده‌اند می‌گویند ربا قبلاً بین اشخاص حقیقی جریان داشته و به منظور استثمار بوده است ولی امروز هدف به حرکت در آمدن چرخ اقتصاد است. در نقد این مطلب باید گفت اولاً توجیه در مقایسه یا توجیه مصلحت اندیشی دوروی یک سکه محسوب می‌شود زیرا این توجیه نیز با احکام شرعی و صریح کتاب و سنت و فتاوی

○ پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون بانکداری اسلامی، علمی رغم دقت نظر و جامعیت قانون یادشده و راهکارهای سازنده‌ای که در آن در نظر گرفته شده بود بانکها در عمل از عهده اجرای کامل این مقررات برنیامدند.

○ با اجرای درست عقود شرعی، بانک به معنی واقعی اسلامی خواهد شد و چرخ اقتصاد جامعه نیز به بهترین وجه حرکت خواهد کرد.

فقه‌های عظام تعارض و مخالفت دارد. ثانیاً گویا فاضل محترم به این مطلب توجه نداشته‌اند که اساساً تأسیس بانک و قانون بهره به منظور جلب سود و منافع از مردم برای انباشته شدن ثروت سرمایه‌داران بوده و در دنیای امروز هم در کشورهای پیشرفته بانکها و مؤسسات اقتصادی شریانه‌های اصلی سلطهٔ ثروتمندان و زراندوزان بر اقتصاد کشور و در نهایت بر اقتصاد جهانی است و در کشورهای جهان سوم نیز این حقیقت تلخ در سطح پایین‌تر به چشم می‌خورد. آیا عمل امروز سرمایه‌داران به وسیلهٔ بانکها مصداق استثمار نیست؟ در این صورت به صرف اینکه پول‌های سرگردان در اجتماعات در حال رشد به وسیلهٔ بانکها در جریان توسعهٔ اقتصادی یا تولید قرار گرفته است نمی‌توان یک قانون عام و فراگیر مانند ربا را که زیانهای اجتماعی و آثار ویرانگر آن بر هیچ کس پوشیده نیست نادیده گرفت و در برابر سلطهٔ سرمایه‌داران و ثروت‌اندوزان بر میلیونها انسان نیازمند و ناتوان به سکوت نشست.

گذشته از این نباید چنین تصور کرد که سرمایه‌گذاری بطور مطلق می‌تواند در جامعه مفید و سازنده باشد زیرا در یک مکتب ارزشی و اخلاقی اگر سرمایه‌گذاری دارای کنترل و ضابطه نباشد چه بسا ممکن است موجب زیان به بخش قابل توجهی از جامعه گردد؛ چنان که هرگاه سرمایه‌دار کالایی را بطور عمد و وارد بازار کند نرخ کالا بطور طبیعی نزول خواهد کرد و فروشندگان محلی متضرر می‌شوند و چنین کاری به موجب قاعده لاضرر محکوم و ممنوع است. در این صورت بانک علاوه بر اینکه باید از ربا که به آن گرفتار شده خود را نجات دهد، باید سعی کند در راههای مشروع سرمایه‌گذاری کند و واسطهٔ سرمایه‌گذاری دیگران از طرق مشروع باشد و گر نه عقلاً و شرعاً محکوم و از ملاکهای اخلاقی و ارزشی بطور جدی فاصله گرفته است. البته در نظامهای اقتصادی غربی که هدفی جز سلطهٔ مالی و سیاسی ندارند و دغدغهٔ عدالت در آنها مطرح نیست این امور و حتی بالاتر از اینها قابل توجیه است. ولی این گونه اعمال در یک نظام الهی و ارزشی به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست.^{۱۷}

و انگهی با توجه به اینکه احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد است، روشن است که هرگاه کاری مانند ربا در اساس موجب مفاسد و زیان باشد و در شکل کلان آن اسارت اقتصادی و سیاسی و نابرابری در معیشت را برای خلق به ارمغان می‌آورد و سرمایه‌داران زالوصفت را بر جامعهٔ بشری مسلط می‌کند در شکل خرد و کوچکتر نیز شکننده و زیان‌بار خواهد بود و نفع نسبی و مسکن گونهٔ آن در یک اقتصاد بیمار نباید انسان را از مفاسد و زیان‌های آن غافل نماید.

۵- از همهٔ مطالب قبلی که بگذریم از همه شگفت‌آورتر اینکه ایشان در پایان مطالب خود گفته‌اند: «هیچ یک از ملاکات ربا که شارع در صدر اول حرام کرده است در این معاملات ربوی بانکی وجود ندارد پس وجهی برای حرمت آن نیست.» چگونه می‌توان به صحت این گفتار اذعان نمود؟ آیا این معاملات ربوی مصداق ربای محرم در کتاب و سنت نیست؟ آیا مشمول فتاوی مراجع و فقه‌های عظام نیست؟ آیا این معاملات هرگاه در قالب عقود شرعی عرضه نشود مصداق بارز ظلم نیست؟ آیا نمونه‌های بازدارنده از اعمال خیر و مانع توجه به قرض الحسنه و اصلاح کار مردم نیست؟ و سرانجام آیا بازدارنده از تلاشهای اقتصادی مولد و سازنده نیست؟

بنابر این با کمال تأسف، کلام ایشان گذشته از این که فاقد دلیل علمی است و با نصّ ادلهٔ حرمت ربا در تعارض است با قاعدهٔ تبعیت احکام از مصالح و مفاسد نیز قابل تطبیق نیست؛ مگر اینکه کسی بگوید یکی از راه‌های حل اشکال این است که آدمی تسلیم اشکال شود و اشکال وارد شده را بپذیرد یا اینکه گفته شود یک راه حل این مسئله این است که صورت مسئله را پاک کنیم یا عوض نماییم. نکتهٔ دیگری که در کلام ایشان قابل بررسی است اینکه گفته‌اند «ربایی را که شارع حرام کرده همان ربایی است که بین اشخاص حقیقی جریان داشته». گویا منظور ایشان این است که در حال حاضر ربا بین اشخاص حقیقی نیست بلکه بین بانک و دیگر مؤسسات به عنوان شخصیت حقوقی است؛ در حالی که با کمی دقت نادرستی این مطلب آشکار می‌گردد. زیرا بی‌شک مالکیت سپرده‌ها به

که به موجب امساک از مصرف به سپرده گذار تعلق می گیرد ربا را توجیه کند. باید دانست شکل اولیه این نظریه را ناسا سینیور^{۲۰} ارائه کرده است که بعدها توسط جان استوارت میل تکمیل گردید.

«از دیدگاه سینیور امساک از مصرف به منظور ایجاد پس انداز (ما به التفاوت مصرف و درآمد) و سپس هدایت آن به سمت فرایند تشکیل سرمایه است. این امر از طریق خودداری از مصرف درآمد جاری امکان پذیر است. از دیدگاه میل، خودداری از مصرف به معنای صرف نظر از حق استفاده از دارایی است. در هر دو دیدگاه برای امساک از مصرف پاداشی به عنوان بهره در نظر گرفته شده است.»^{۲۱}

در نقد این کلام باید گفت این مطلب را که ممکن است به موجب امساک از مصرف حقی به صاحب سرمایه تعلق بگیرد می پذیریم ولی باید توجه داشت که تعلق این حق مطلق و بدون ضابطه و بی قید و شرط نیست. یعنی تنها به موجب امساک نمی توان مالک سرمایه را صاحب حق دانست. زیرا سرمایه ممکن است به دلایل مختلفی تجمع پیدا کند و صاحب مال، از مصرف آن امساک نماید. بنابراین هر گونه امساک از مصرف موجب حق نیست، چنان که اگر شخص سرمایه خود را به صورت گنج در آورد و از مصرف آن خودداری کرد هیچ گونه حقی به آن تعلق نمی گیرد و از نظر اسلام نیز کاری ناپسند و سزاوار کیفر و عقوبت الهی انجام داده است.^{۲۲}

بنابراین به سرمایه ای می تواند حق تعلق گیرد که در جریان کار و فرایند فعالیت اقتصادی واقع شود و این بر دو گونه است:

۱- قرار دادن سرمایه در فرایند فعالیت اقتصادی و خدمات اجتماعی از راه قراردادهای شرعی که با رعایت قوانین سودبری از آن در این قراردادها از دیدگاه اقتصاد اسلامی مورد تأیید و بلامانع است.

۲- استفاده از این سرمایه ها برای وام دهی به اشخاص و احتساب سود بر اساس زمان که از دیدگاه اقتصاد اسلامی این مسئله از مصادیق ربا و شرعاً ممنوع است. کسانی که خواسته اند بهره وامها را از راه حقی که به موجب امساک به صاحب

اشخاص حقیقی تعلق دارد و بانک به عنوان وکیل و نماینده سپرده گذاران عمل می کند. مالکین شرکتها و مؤسسات اقتصادی و تجاری هم که به عنوان طرف قرارداد پولها را برای فعالیت اقتصادی در اختیار می گیرند همه اشخاص حقیقی هستند. فرضاً اگر هم يك طرف قرارداد شخصیت حقوقی باشد در حکم مسئله تغییرری حاصل نمی شود. بنابراین در ماهیت مسئله بین رای رایج در صدر اسلام باریای عصر حاضر تفاوتی نیست و انبوه شدن سرمایه و کثرت شرکا و پیچیدگی شرایط اقتصادی صورت مسئله را تغییر نمی دهد. آری باید برای رفع مشکل و اسلامی کردن بانک راه های معقول و شرعی و عملی جستجو کرد نه اینکه تسلیم اشکال شد.

نقد بحثی دیگر در توجیه بهره بانکی

در مقاله «تفاوت ربا و بهره بانکی» نوشته آقای دکتر موسی غنی نژاد سعی شده است بین ربا و بهره بانکی تفاوت ماهوی گذاشته شود. ایشان در بخشی از این مقاله آورده اند: «بهره بانکی یا بهره سرمایه در اقتصاد جدید يك پدیدار صرفاً پولی نیست بلکه متغیری است وابسته به کمیابی سرمایه (پس انداز) که نیز در دوران معاصر مسئولیت بزرگی در دامن زدن به این شبهه داشته که گویا بهره، متغیری صرفاً پولی است، به طوری که با افزایش حجم آن می توان نرخ بهره را پایین آورد حتی آن را نهایتاً صفر نمود.»^{۲۳} سپس ایشان در رد نظریه کینز نقش کمیابی پس انداز و امساک صاحب سپرده از مصرف را در نرخ بهره تعیین کننده می دانند و می گویند «پس انداز کننده با امساک از مصرف آبی امکان تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری را فراهم می آورد و نتیجه سرمایه گذاری عبارت است از بالا رفتن بازدهی تولید در آینده. یعنی امساک از مصرف آبی (پس انداز) موجب افزایش محصولات در آینده می شود و پس انداز کننده به خاطر اینکه طی مدت زمانی خود را از مصرف محروم کرده... بخشی از بازدهی اضافی تولید در آینده را به صورت بهره دریافت می دارد.»^{۲۴}

نویسنده محترم کوشیده اند تا بر اساس حقی

○ به صرف اینکه پولهای سرگردان در اجتماعات در حال رشد به کمک بانکها در جریان توسعه اقتصادی یا تولید قرار گرفته است نمی توان قانون عام و فراگیری مانند ربا را نادیده گرفت.

○ کسانی که

خواسته‌اند بهره و امهارا از راه حقی که به موجب امساک به صاحب پول تعلق می‌گیرد توجیه کنند توجه نداشته‌اند که در نظام حقوقی و اقتصادی اسلام بطور مطلق به پول حقی تعلق نمی‌گیرد.

پول تعلق می‌گیرد توجیه کنند به این نکته توجه نداشته‌اند که در نظام حقوقی و اقتصادی اسلام چنین نیست که بطور مطلق حقی به پول تعلق بگیرد بلکه در چارچوب این نظام حقوقی، در موارد مشخص به سرمایه سود اختصاص می‌یابد و تنها با تکیه بر مشابهت و همگونی موارد و استحسانات عقلی نمی‌توان در قوانین، دخل و تصرف کرد. قرآن خود در این مورد هشدار داده، می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...»^{۲۳} این به خاطر آن است که گفتند دادوستد هم مانند ریاست (تفاوتی میان این دو نیست) در حالی که خدا بیع (خرید و فروش) را حلال کرده و ربا را حرام کرده است.

آقای دکتر غنی‌نژاد در ادامه می‌نویسند: «در واقع آنچه در اسلام ممنوع شده است بازده ثابت یا از پیش تعیین شده بر معاملات مالی است و نه نرخ بازدهی نامشخص به صورتی که در سود مطرح می‌شود».^{۲۴}

در نقد و بررسی این سخن باید گفت اولاً براساس عقود شرعی اسلامی مانند شرکت و مضاربه، سود حاصل از قرارداد پس از تحصیل آن محاسبه می‌شود و قطعاً نرخ بازدهی نامشخص است و سودبری بر مبنای این عقود از نظر اقتصاد اسلامی مورد تأیید است ولی این مطلب با بهره و امهار سودربری فرق اساسی دارد و هرگز نباید این دورا یکسان گرفت. در این صورت نامشخص بودن دقیق بهره و ام هرگز نمی‌تواند موجب خارج شدن آن از صدق عنوان ربا و رفع حرمت آن گردد.

ثانیاً ممکن است منظور نویسنده محترم از «نرخ بازدهی نامشخص» این باشد که می‌توان بهره بانکی را با نظریه متوسط نرخ سود در فعالیتهای اقتصادی توجیه کرد به این صورت که برای حسابرسی در امور اقتصادی و سرمایه‌گذاری به نرخی نیازمندیم که ما را در سرمایه‌گذاری و نتایج آن راهنمایی کند. بنابراین با بررسی نرخ سودها در فعالیتهای اقتصادی، میانگین نرخها را می‌گیریم و آن را نرخ بهره می‌نماییم بر مبنای آن سود سرمایه‌ها را حسابرسی می‌کنیم.

در پاسخ ایشان باید گفت: این مطلب هرگاه سرمایه در چارچوب قراردادهای شرعی و عقلانی

به کار افتد به عنوان شاخص و راهنما صحیح و قابل قبول است ولی نباید فراموش کرد که سود متعلق به سرمایه‌آنگاه و اقعیت پیدا می‌کند که سرمایه در جریان کار قرار گیرد و سود، از آن حاصل گردد. بنابراین قبل از تحصیل سود، محاسبه نرخ آن بر پایه میانگین سود سرمایه‌ها تنها به عنوان شاخص و راهنما در کارهای اقتصادی مفید است و هرگاه بخواهد ملاک سود واقعی قرار گیرد چیزی جز بهره و ام و ربا نیست که شرعاً تحریم شده است.

ثالثاً، برخلاف تصور ایشان، اقتصاددانان معتقد نیستند که نرخ سود تعیین‌کننده نرخ بهره است بلکه آنان یا معتقد به استقلال نرخ سود از بهره هستند یا آنکه نرخهای بهره را عامل تعیین‌کننده نرخ سود می‌دانند. برای وضوح بیشتر مطلب به بررسی اجمالی نظریه علمای اقتصاد در این مسئله می‌پردازیم. دیدگاه برتر در باره ارتباط بین نرخهای بهره و سود در زمان آدام اسمیت آن بود که نرخ بهره بطور مستقل از عوامل پولی تعیین می‌شود.

ریکاردو نیز از این دیدگاه که نرخهای سود تعیین‌کننده بهره است حمایت نمی‌کند... پس از ریکاردو، توك (Tooke) و جان استوارت میل معتقد بودند که نرخ بهره هم به طور موقت و هم به طور دائم با عواملی تعیین می‌شود که از نرخهای سود مستقل است... در مباحث کارل ماکس تعیین نرخ بهره از نرخهای سود مستقل است و بر اساس عناصر تاریخی تعیین می‌گردد.

تا اینجا اقتصاددانان نامبرده طرفدار استقلال نرخ بهره از نرخ سود بودند ولی از زمان پیدایش مارژینالیستها بهره و سود به صورت دو واژه مترادف به کار رفت. فلارتو (Fullarto) و جیمز ویلسون مدعی بودند به دلیل آنکه نرخ بهره و تفسیر نرخ سود با هم انشاق دارند از این رو بهره و سود با یکدیگر مترادفند. بخشی از دیدگاه مارژینالیستها درباره ارتباط بین نرخهای بهره و سود در رساله‌ای دریاب پول (۱۹۳۰) نوشته جان مینارد کینز به خوبی منعکس شده است. کینز در کتاب تئوری عمومی اشتغال، بهره و پول درست بودن تفکیک بین دو بخش واقعی و پولی اقتصاد را انکار کرد. براساس نظریه جدید کینز نرخ سود به نرخ بهره وابستگی پیدا کرد زیرا وی معتقد به «تئوری پولی

می باشد، توصیف ایشان در حال حاضر در بانکهای ربوی و واقعیت خارجی ندارد زیرا بانک از يك سو هنگام تحویل پول از سرمایه گذار نرخ سود را مشخص می کند و از سوی دیگر، برای وام گیرنده نرخ سود را تعیین و بازپرداخت وام را بر اساس همان سود قسط بندی می نماید.

ثانیاً، اینکه نرخ بهره واقعی به گفته ایشان بطور دقیق قابل پیش بینی نیست و عوامل مختلفی بر آن تأثیر می گذارد در ماهیت ربا و صدق عنوان آن بر بهره بانکی هیچگونه تأثیری ندارد زیرا آنچه از لوازم و شرایط رباست و در تحقق عنوان آن از نظر شرعی نقش اساسی دارد شرط سود است نه مقدار سود. بنابراین چون در بهره بانکی سود مطرح است و اصل سود بین بانک و سپرده گذار تصریحاً یا تلویحاً مورد اشتراك قرار می گیرد ملاک ربای حرام شرعاً محقق شده است و کم و زیاد مقدار سود یا معلوم بودن و نبودن آن در تغییر عنوان و ثبوت حکم تأثیری ندارد. حتی اگر طرفین، انجام کاری یا امانت دادن شینی را در کنار قرض شرط نمایند به موجب صریح روایات معتبر، ربا محسوب می شود چنان که امام باقر در حدیث محمد ابن قیس فرمود: «هر کس مالی را به کسی قرض می دهد نباید شرط کند جز مانند آن را پس بگیرد پس اگر بدون شرط وام گیرند بهتر است ولی اگر بدون شرط وام گیرنده چیزی بپرداخت وام دهنده می تواند بپذیرد و مانعی ندارد، و هیچ يك از شما نباید سواری حیوانی یا امانت دادن چیزی را به عنوان شرط قرض که به دیگری داده است مطالبه نماید».^{۲۷}

آری چنان که در حدیث آمده است اگر وام گیرنده بدون شرط قبلی مبلغی بر پول بیفزاید بلامانع است یا اگر داد و ستد پول بین طرفین از صورت وام دادن و وام گرفتن خارج شود و شکل عقود شرعی مانند مضاربه و شرکت را پیدا کند در این صورت با رعایت ضوابط هر عقد قرارداد آنها صحیح و تقسیم سود نیز طبق قرارداد بی اشکال است. ولی در غیر این صورت به شکل سود بانکی که تحت عنوان سپرده و وام به صورت درصد گیری محاسبه و پرداخت شود مصداق روشن ربا خواهد بود.

تولید» بود. بر طبق تئوری یاد شده عوامل پولی می توانند مستقیماً نرخهای سود را تعیین کنند.^{۲۵} چنانکه ملاحظه می شود نظر اقتصاددانان درباره استقلال نرخ بهره از نرخ سود مختلف است. در نتیجه، ابهام رابطه سود و بهره موجب لاینحل ماندن تئوری سود شده است و به واسطه این ابهام بعضی از توجیهات درباره سود در مورد بهره نیز به کار رفته است؛ در حالی که با اهداف بهره هماهنگی و همخوانی ندارد. به هر حال، دلیلی بر ناشی شدن نرخ بهره از نرخ سود وجود ندارد هر چند یکسان بودن آن نیز اثبات نشده است. ولی به طور کلی می توان گفت مهمترین فرقی که بین نرخ سود و نرخ بهره وجود دارد این است که در نرخ سود تضمین قبلی در کار نیست و سود بطور مبهم مورد قرارداد واقع شده است و تحقق خارجی در آینده آن را تعیین و مشخص می کند ولی در نرخ بهره بازده سرمایه از پیش تضمین شده است و تحقق خارجی نسبت به آن نقش و تأثیری ندارد. به عبارت دیگر سود محصول سرمایه گذاری در جریان کار و فعالیت اقتصادی است که عینیت و خارجیت پیدا کرده است ولی بهره بازده پولی است که به عنوان وام در اختیار دیگری قرار گرفته است و مصداق روشن ربای قرضی است.

آقای دکتر غنی نژاد سپس می گویند ثابت کنند که نرخ بهره به هیچ وجه بطور دقیق قابل پیش بینی نیست و می خواهند از این رهگذر مشکل بهره بانکی را حل نمایند. ایشان می گویند «نرخ بهره (بهره واقعی) مانند سایر قیمت ها در سیستم بازار به هیچ وجه از قبل بطور دقیق قابل پیش بینی نیست و تحت تأثیر عوامل مؤثر بر بازار که غیر قابل پیش بینی است تغییر می یابد. اما نرخ بهره اسمی (پولی) متغیری است که توسط میزان عرضه و تقاضای پول اسمی معین می گردد... بنابراین در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، حتی نرخ بهره اسمی را هم نمی توان از قبل برای دراز مدت معین نمود».^{۲۶}

در نقد این سخن باید گفت، صرف نظر از ایرادی که به این کلام در مورد پول اسمی وارد است زیرا اختیار آن به دست دولت و بانک مرکزی است و با هماهنگی دولت با بازار کاملاً قابل تعیین

○ نامشخص بودن دقیق بهره وام هرگز نمی تواند موجب خارج شدن آن از صدق عنوان ربا و رفع حرمت آن گردد.

○ نوسان قیمت‌ها هیچ ربطی به صدق عنوان ربا بر سود حاصل از قرض ندارد.

ثالثاً، ارزیابی مسئله در مقایسه با بهره اسمی نیز چنین است بویژه اینکه در اسناد بانکی برای احتساب سود وامها بهره اسمی ملاک عمل قرار می‌گیرد و سود وام را عوامل بانک بر اساس درصد بطور دقیق محاسبه می‌کنند و در مورد احتساب سود سپرده‌ها نیز وضع به همین منوال است و اگر به فرض درصد سود را علی‌الحساب محاسبه نمایند با توجه به ماهیت کار و شکل داد و ستد که قرض ربوی است در حکم مسئله تغییری ایجاد نمی‌کند و این مطلب وجهی برای تصحیح این نوع قرارداد ربوی نیست.

نویسنده یادشده در پایان مقاله نتیجه‌گیری زیر را نموده‌اند که به نقد هر يك از مواد آن می‌پردازیم. «... میان ربا و بهره تفاوت ماهوی وجود دارد و آنها را نمی‌توان یکسان دانست و حکم واحدی بر آنها صادر نمود.

۱- ربا به عنوان بازده ثابت یا از بیش تعیین شده تنها در اقتصادهای معیشتی و ایستا که در آنها قیمت‌های نسبی حتی در درازمدت دچار نوسانهای مهمی نمی‌گردد قابل تصور است. بهره سرمایه در نظامهای جدید اقتصادی به علت تغییرات دائمی قیمت‌های نسبی مشمول تعریف بالا از ربا نیست».^{۲۸}

به نظر ایشان در وضع حاضر که قیمت‌ها در نوسان است اصلاً ربا قابل تصور نیست و تنها در اجتماعات قدیم مصداق پیدا می‌کرده است. در حالی که اولاً در دنیای مدرن نیز ربا وجود دارد و از رهگذر آن سرمایه‌دارانی به استثمار خلق و چپاول ثروتها مشغول هستند.

ثانیاً چه کسی این مطلب را ثابت و محقق کرده است که در اجتماعات گذشته و اقتصادهای معیشتی نوسان قیمت‌ها وجود نداشته و این پدیده از خصوصیات اقتصاد جدید است در حالی که تاریخ گذشتگان به وضوح خلاف این مطلب را ثابت می‌کند (بحث درباره بطلان این سخن مستلزم تحقیق گسترده‌ای است که از ظرفیت این مقاله خارج است).

ثالثاً به فرض که مطلب چنین باشد و در اقتصادهای گذشته نوسان قیمت نبوده ولی امروز وجود دارد. آیا این مطلب موجب می‌گردد که سود

پول در صورت اول مصداق ربا باشد و در صورت دوم نباشد؟ در حالی که ماهیت مسئله يك چیز است و آن عبارت است از تعلق سود به سرمایه در قرارداد قرض. بنابراین نوسان قیمت‌ها هیچ ربطی به صدق عنوان ربا بر سود حاصل از قرض ندارد و صورت مسئله در هر دو از نظر شرعی و حقوقی یکی است.

۲- «ربا پدیداری ماقبل سرمایه‌داری است و قابل قیاس با بهره که کارکرد اقتصادی مهمی در نظامهای اقتصادی جدید دارد نیست».^{۲۹}

نویسنده در این بند، باز هم ربا را پدیددهی قدیمی دانسته و بهره را دارای کارکرد اقتصادی مهم معرفی کرده است. در اینجا می‌توان گفت که ربا همیشه در نظام اقتصاد سرمایه‌داری کارکرد مهمی داشته است البته به سود سرمایه‌داران و رباخواران و به زیان محرومان و مستمندان و این کارکرد در حال حاضر نیز جریان دارد و بنابراین قابل مقایسه است. چگونه ربا بین گذشته و زمان حاضر قابل مقایسه نیست؟ در حالی که هر جریان اجتماعی و اقتصادی را بین زمانهای گذشته و حال می‌توان مقایسه کرد.

۳- «از لحاظ تاریخی بهره سرمایه منشأ کاملاً متفاوتی از ربا داشته است و به طوری که ملاحظه می‌شود ظهور آن در حقیقت علیه انحصار و سلطه ربا صورت گرفته است».

باید دانست صرف این که منشأ بهره با ربا متفاوت ولی شکل و فرم داد و ستد و ملاک و معیار آن یکسان باشد نمی‌تواند موجب تفاوت در حکم گردد. زیرا به گفته نویسنده مقاله علی‌رغم اینکه حرکت صرافان و زرگران در مقابل تلاش رباخواران منجر به تأسیس بانک و بهره شده است در این رقابت نسبت سودجویی و رباخواری به شکل قانونمند و نهادینه شده گسترش یافته و ماهیت مسئله از نظر شکل و نتیجه کار فرقی نکرده جز اینکه پدیده ربا در گذشته در اختیار افرادی معهود بوده و اکنون شکل فراگیر تر و گسترده‌تری به خود گرفته است. بنابراین، این که ظهور بهره علیه انحصار و سلطه ربا صورت گرفته است با اینکه خود ابزار انحصار و سلطه سرمایه‌داران باشد چنان که در حال حاضر هست. منافات ندارد.

۴- «ربا به علت نقش مخرب اجتماعی آن مورد

○ اینکه ظهور بهره‌ علیه
انحصار و سلطهٔ ربا صورت
گرفته است منافاتی با این
ندارد که خود بهره‌ ابرار
انحصار و سلطهٔ
سرمایه‌ داران باشد.

۶. جزوهٔ اقتصاد کلان، پیشین.
۷. همان.
۸. تقوی، پیشین، ص ۱۷۰.
۹. آیه‌الله روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۳۸، ۷.
۱۰. شهید صدر، بانك اسلامی، ترجمهٔ ح. ا. حاجتی، صص ۱۴-۱۵.
۱۱. همان.
۱۲. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۳۶۴.
۱۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۰۹.
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۱.
۱۵. نقد و نظر، سال دوم، شماره پنجم، صص ۲۸-۲۹. (از سخنان آقای معرفت)
۱۶. همان.
۱۷. آیه‌الله سید محمد شیرازی، الاقتصاد للجمع، (ترجمه و تلخیص)، ص ۸۲.
۱۸. نقد و نظر، سال سوم، شماره چهارم، ص ۳۱۹.
۱۹. همان.
20. Nassau Senior
۲۱. پول در اقتصاد اسلامی، ص ۸۲.
۲۲. قرآن کریم، سورهٔ بقره آیه ۲۷۵.
۲۳. همان.
۲۴. نقد و نظر سال سوم، شماره چهارم، ص ۳۲۰.
۲۵. پول در اقتصاد اسلامی، صص ۷۷-۷۸.
۲۶. همان، ص ۳۲۱.
۲۷. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ابواب الدین و القرض، باب ۱۹، حدیث ۱۸، ص ۱۰۸.
۲۸. نقد و نظر، سال سوم، شماره چهارم، ص ۳۲۶.
۲۹. همان.
۳۰. قرآن کریم، سورهٔ بقره، آیه‌های ۲۷۸-۲۷۹.
۳۱. تورات، سفر خروج (۳) باب ۲۵/۲۲.
نکوهش عقلایی متفکران متقدم قرار گرفته است درحالی که بهرهٔ سرمایه به دلیل کارکرد مهم اقتصادی و سازندهٔ آن در هدایت پس اندازها به سمت سرمایه‌گذاری توجیهی عقلانی و اخلاقی دارد».
در نقد این کلام باید گفت اولاً نویسندهٔ محترم از ذکر نام ادیان الهی و بویژه دیانت مقدس اسلام در زمرهٔ نکوهش کنندگان ربا غفلت کرده‌اند درحالی که حرمت ربا از نص آیات قرآن^{۳۰} و روایات معتبر نتیجه می‌شود، چنان که نص تورات هم بر حرمت ربا دلالت دارد.^{۳۱} بنابراین اولین مخالفان ربا و رباخواری پیامبران خدا و ادیان الهی بوده‌اند.
ثانیاً این سخن که بهرهٔ سرمایه به دلیل کارکرد مهم اقتصادی و سازندهٔ آن توجیه اقتصادی دارد اگر در چارچوب حقوقی اسلام و ضوابط اقتصادی آن از راه عقود شرعی حاصل گردد مطلب صحیح است ولی در غیر این صورت چه فرق اساسی بین بهرهٔ سرمایه که بر اساس زمان محاسبه می‌شود با سود پول وجود دارد؟ واقعیت این است که اینگونه بهره‌گیری از سرمایه خود از مصادیق بارز ربای محرم و از نظر شرعی ممنوع است.
- یادداشتها**
۱. قرآن کریم، سورهٔ بقره، آیه ۲۷۸.
۲. علامه مجلسی، روضة المتقین، ج ۷، ص ۲۷۲.
۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص.
۴. جزوهٔ دوم اقتصاد (اقتصاد کلان)، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ص ۵۱.
۵. دکتر مهدی تقوی، مبانی علم اقتصاد، ص ۱۶۱.